

جمهوری اسلامی و بمب اتمی



موضوع تلاش حکومت ایران جهت دستیابی به سلاح اتمی مدتی است که در صدر وقایع مربوط به ایران مورد بحث رسانه های مغرب زمین است. به نظر میرسد در حالی که دستیابی به سلاح اتمی نزد حکومت گران ایران اولویتی اضطراری یافته، ممانعت و متوقف ساختن تلاشهای ایران در این زمینه به همان اندازه نزد آمریکائیان صاحب اولویت شده است.

تحلیل گران مسایل مربوط به ایران بر این عقیده اند که توفیق رژیم ایران در تولید اسلحه اتمی یک مسابقه تسلیحاتی خطرناک را در منطقه ایجاد خواهد نمود، و کشورهای مصر، سوریه، ترکیه و الجزیره به کوشش های مشابه دست خواهند زد.

این گزارش که توسط رویتر و آسوشیتدپرس در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴ به جهان مخابره شد، اضافه می نماید که ایران در صورت دستیابی به سلاح اتمی، به فعالیتهای تروریستی خود خواهد افزود و به عملیات تروریستی که علیه اسرائیل، عراق، عربستان سعودی، اروپا و آمریکا در جریان است کمک خواهد کرد.

فزون بر اینها قیمت نفت بعلت تهدیدات ایران در امر کشتیرانی آزاد در دریا بالا خواهد رفت. در یک سال گذشته، اروپائیان، (انگلیس، فرانسه و آلمان) موضع ملایمی در مقابل ایران اتخاذ نموده و بر این بوده اند که این معضل، از طریق دیپلماسی و رشوه دادن به رژیم ایران قابل حل است. اما آمریکائیان موضع سرسختانه تری داشته و اقدامات اروپائیان را کافی نمی دانند.

اما سیاست دولت ایران مبتنی بر ادامه تغلیظ اورانیوم، سر انجام سبب تعیین ضرب الاجل از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی گردیده و به دولت ایران تا ۲۵ نوامبر زمان داده شده تا فرآیند تغلیظ اورانیوم را متوقف ساخته و به کلیه پرسشهای آژانس در زمینه فعالیتهای اتمی خود جواب دهد.

آمریکائیان معتقدند ایران بین ۱۲ تا ۴۸ ماه آینده به سلاح اتمی دست خواهند یافت و مواد خام و فن آوری لازم را فراهم آورده است. آنها بر این هستند که هرگونه دیپلماسی و رشوه دهی به ایران در این باب بیهوده است و نتیجه ی معکوس خواهد داشت.

در حالیکه آمریکائیان رسماً به آژانس انرژی اتمی جهت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد فشار وارد می کنند، بطور غیر رسمی و پراکنده سخن از حمله نظامی به تاسیسات اتمی ایران را به میان می آورند.

تردیدی نیست یکی از موضوعاتی که در اجلاس سران ۸ کشور صنعتی در واشنگتن مطرح خواهند شد، موضوع پروژه اتمی ایران خواهد بود.

از سوی دیگر اسرائیل که خود به انواع و اقسام بمب های اتمی و میکروبی و شیمیایی مسلح است و ابر قدرت خاور میانه بشمار میرود، بگونه ای غیر مستقیم و غیر رسمی سخن از حمله نظامی و تخریب تاسیسات اتمی ایران را مطرح می کند.

تصویر عمومی قضیه یادآور روزگار جنگ دوم جهانی است. در آن زمان بسیاری از دانشمندان آلمانی از ترس تعصبات نازی ها به انگلیس و آمریکا گریختند، شخصیت هایی نظیر آلبرت انیشتین، انریکو فرمی، نیل بوهر، لیو زیلارد، ادوارد تلو و صدها تن دیگر به آمریکا و انگلیس رفتند و سران متفقین را از خطر بمب اتمی آلمانها آگاه ساختند. در سالهای پایانی دهه ۳۰، این موضوع که آیا سلاح اتمی قابل تولید است یا نه، مورد تردید بود، اما با توجه به اینکه کشور آلمان به لحاظ تکنولوژی و علوم عقلی بسیار پیشرفته بود، آمریکاییان و انگلیسیها، به وحشتی فوق العاده دچار شده بودند.

تصور اینکه هیتلر صاحب بمب اتمی شود، تصویری هولناک بود و متفقین به نیکی میدانستند که هیتلر اتمی چه عواقبی را برای آنها به دنبال خواهد داشت. بر پایه این ترس و اضطراب، کوشش فوق العاده توسط دو کشور انگلیس و آمریکا در لابراتوار ((لوس آلاموس)) آغاز شد، که به ساختن نخستین بمب های اتمی منجر گشت.

گرچه به ثمر رسیدن تلاشهای این دو دولت بسیار خوشحال کننده بود، و با استفاده از ۲ بمب اتمی در ژاپن به جنگ پایان دادند، اما اگر در لوس آلاموس تحقیقات به نتیجه نمی رسید و بمب اتمی ساخته نمی شد، نتیجه به همان اندازه سبب رضایت خاطر آنها می بود، چون معلوم می شد که چنین امری امکان پذیر نیست، و بمب اتمی در دست هیتلر قرار نخواهد گرفت.

امروز وحشت و اضطراب آمریکاییان دست کمی از اضطراب آنها در آن روزگار ندارد. آنها به نیکی میدانند که ساختن یک بمب کثیف (بمبی که منفجر نمی شود، اما می ترسد و مواد رادیواکتیو را در محیط پراکنده می کند) کار مشکلی نیست و از ضایعات روانی و اقتصادی انفجاری اینچنین، در یکی از شهرهای خود به خوبی آگاهند.

جنگ سوم که جنگ با ترور می باشد مدتی است که آغاز شده و از بسیاری جهات جنگی مشکل تر از جنگ اول و دوم است. جنگی است بدون جبهه و میدان و بدون دشمن معلوم.

گسترش تکنولوژی ساختن بمب های اتمی کوچک یا به اصطلاح ((چمدانی)) را میسر کرده است. تصور دسترسی تروریست ها به چنین سلاحی تصویری هراسناک است. در ماههای پایانی سال ۲۰۰۱، سازمانهای اطلاعاتی آمریکا گزارشی دریافت نمودند که یکی از بمب های کوچک اتمی از آرسنال اتمی روسیه گم شده است.

ماجرا با روسها در میان گذاشته شد و شبها و روزهای پر اضطرابی بر سازمانهای اطلاعاتی آمریکا گذشت. سرانجام پس از آمارگیری روسها گزارش دادند که بمبی گم نشده و آمریکائیان نفسی به راحتی کشیدند.

نگرانی آمریکائیان فزون بر آنچه در ابتدای این مقاله آمد، آن است که رژیم ایران فن آوری و مواد اتمی را در اختیار تروریست ها قرار دهد. پشتیبانی رژیم ایران از گروههای تروریستی حزب الله و دیگر سازمانها از یکسو و تلاش پی گیر جهت دستیابی به سلاح اتمی از سوی دیگر، آمریکائیان را به شدت نگران ساخته است.

حاکمان ایران مصرند که تاسیسات اتمی آنها صرفاً جنبه صلح آمیز دارد و از این تلاش مقصودی جز حل مشکل انرژی مد نظر نیست. اما این معنی سالهاست به اثبات رسیده که هرگاه کشورهای نفت خیز منطقه به تکنولوژی اتمی روی می آورند مقصود آنها چیزی جز دستیابی به سلاح اتمی نیست. لیبی و عراق دو نمونه اند که زیر لوای تولید انرژی قصد دستیابی به بمب اتمی داشته و موفق نشدند. دو کشور پاکستان و اسرائیل دو نمونه موفق هستند، که دستیابی به بمب اتمی را از ساختن نیروگاههای تولید برق آغاز نمودند.

لازم به تذکر است که در زمینه فعالیتهای اتمی، رژیم فعلی ایران میراث دار رژیم پادشاهی است. پادشاه سابق ایران قصد داشت چندین نیروگاه اتمی جهت تولید برق در کشور بسازد و نخستین نیروگاه که توسط کارخانه زیمنس در حال ساخته شدن بود با شروع انقلاب نیمه کاره ماند و در جنگ ایران و عراق صدمات بسیار دید. می توان با حدسی قریب به یقین گفت که پادشاه ایران نهایتاً دسترسی به سلاح اتمی را مد نظر داشته است. شاه سابق در یکی از مصاحبه هایش به خبرنگاران گفت: ((وقتی کشورهای در منطقه باشند که یکی، دو بمب مسخره داشته باشند، دیگران را هم به هوس می اندازند)). که مقصود او البته کشور اسرائیل بود.

ساختن بمب اتمی قطع نظر از تشکیلات وسیع صنعتی و متخصصان امر نیازمند سوخت اتمی است. دو عنصر فلزی اورانیوم ۲۳۵ و پلوتونیوم ۲۳۹ تنها دو عنصری هستند که می توان از شکستن اتمهای آنها بوسیله نوترون، فعل و انفعال زنجیری و انفجار ایجاد نمود. بنابراین بمب های اتمی (نه هیدروژنی) با یکی از این دو فلز ساخته میشوند. اورانیوم ۲۳۵ بطور طبیعی در لایه های پوسته زمین یافت می شود. غنی ترین معادن اورانیوم کشف شده در کشور آفریقائی کنیا و کانادا وجود دارند. مشکل بدست آوردن اورانیوم ۲۳۵ آن است که همواره با اورانیوم ۲۳۸ همراه است و نسبت آن در مخلوط طبیعی ۱ به ۱۴۰ است. به عبارت دیگر در معادن اورانیوم به ازای یک اتم اورانیوم ۲۳۵، ۱۴۰ اتم اورانیوم ۲۳۸ وجود دارد. اورانیوم ۲۳۸ خاصیت شکنندگی و تولید فعل و انفعال زنجیری را ندارد. یکی از مشکل ترین مراحل ساختن بمب اتمی، جدا سازی این دو عنصر از یکدیگر است. بدان جهت که فوق العاده بهم شبیه هستند و تنها تفاوت آنها وجود ۳ عدد نوترون اضافی در مرکز اتم اورانیوم ۲۳۸ است.

از اوایل دهه ۴۰ که تحقیقات جدا سازی اورانیوم آغاز شده تا به امروز چندین فرآیند مختلف بکار گرفته شده است. یکی از شناخته شده ترین طرق، فرآیند ((Gas Centrifuge)) است، که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر نمی رسد. اما این همان فرآیندی است که رژیم جمهوری اسلامی در جداسازی اورانیوم (تغلیظ) بکار گرفته است. اصطلاح غنی ساختن اورانیوم (تغلیظ) به معنی بالابردن درصد اورانیوم ۲۳۵ در مخلوط است. جهت ساختن بمب اتمی درجه خلوص اورانیوم ۲۳۵ بایستی از ۹۰ درصد افزون باشد.

نخستین بمب اتمی آمریکا که لیتل بوی نام داشت و بر فراز هیروشیما منفجر شد، یک بمب اورانیومی بود.

پلوتونیوم - اما- در طبیعت یافت نمی شود و از بمباران اورانیوم ۲۳۹ با نوترون ساخته می شود. این ماده در بیست و سوم ماه فوریه سال ۱۹۴۰ توسط دکتر ((گِلِن سی برگ)) در دانشگاه برکلی واقع در کالیفرنیا شمالی ساخته شد.

در نیروگاه های اتمی که اصطلاحاً ((Breeder)) یا زایا خوانده می شوند، سوختی که در کوره اتمی وارد می شود، دارای اورانیوم ۲۳۸ است که حین سوخت و ساز و تولید حرارت با جذب نوترونها به پلوتونیوم ۲۳۹ مبدل میگردد. پس از پایان یافتن سوخت و ساز مخلوطی از انواع عناصر رادیو اکتیو بر جای می ماند که اصطلاحاً زباله اتمی نامیده می شود. در این مخلوط انواع پلوتونیوم وجود دارد. اما آنچه می تواند مورد استفاده قرار گیرد، پلوتونیوم ۲۳۹ است. با در دست داشتن دستگاههای تصفیه شیمیایی میتوان پلوتونیوم را جداسازی نمود و در بمب اتمی بکار برد.

کشور اسرائیل با وارد کردن نیروگاه اتمی و دستگاههای تصفیه شیمیایی از فرانسه در محل Demona از اوایل دهه ۶۰ به تصفیه و ساختن بمب های اتمی مشغول است، و امروز بنا بر گزارشهای مختلف بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ بمب اتمی پلوتونیومی در اختیار دارد و در کنار چین، چهارمین قدرت اتمی جهان بشمار میرود. کشور پاکستان نیز از همین طریق به سلاح اتمی دست یافت و مشهور است که کره شمالی نیز با تصفیه سوخت مصرف شده، سلاح اتمی ساخته است.

وقتی موضوع ساختن نیروگاههای اتمی ایران توسط روسها مطرح شد، قرار بر این بود که روسها کنترل سوخت اتمی نیروگاههای ایران را در اختیار داشته باشند. بعبارت دیگر، زباله های اتمی را از ایران خارج نمایند تا مورد تصفیه قرار نگیرد و بجای آن سوخت جدید وارد نیروگاههای اتمی ایران نمایند. اما ناگهان سیستم های اطلاعاتی مغرب دریافتند که جمهوری اسلامی تشکیلات وسیعی را در نقاط مختلف کشور بوجود آورده و به کندن معادن اورانیوم و جدا سازی اورانیوم ۲۳۵ مشغول است. این تاسیسات در نطنز، اراک، اصفهان، تهران، آذربایجان و نقاط دیگر شناسایی شدند. نمایندگان آژانس بین المللی اتمی در سفرهای مکرر از این تشکیلات عظیم دیدن نمودند و در یک مورد مقدار بسیار کمی اورانیوم غنی شده در یکی از دستگاهها کشف کردند. اما رژیم مدعی شد که دستگاهها را بصورت دست دوم خریده و از وجود ذرات اورانیوم غنی شده اطلاعی ندارد.

استدلالاتی دولت ایران مبتنی بر صلح آمیز بودن فعالیت‌های اتمی خود به دلایل ذیل مورد قبول کارشناسان مغرب واقع نشده است.

نخست آنکه ایران فزون بر ذخایر غنی نفت، دومین منابع گاز جهان را پس از شوروی در اختیار دارد (۸۰۰ تریلیون فوت مکعب) و ساختن نیروگاه‌های گازی بسیار ارزانتر و بی خطر تر هستند. دو دیگر آنکه هم دولت روسیه و هم دولت های اروپایی حاضر شدند که به ایران سوخت اتمی بدهند و ایران جهت سوخت اتمی نیازی به این تاسیسات عظیم و گسترده نداشته است. سه دیگر آنکه خرید سوخت اتمی از کشورهای صنعتی بسیار ارزانتر از کندن معادن و تصفیه اورانیوم است.

چهارم آنکه ایران بطور پنهانی فعالیت‌های گسترده ای جهت بدست آوردن فن آوری اتمی و جلب دانشمندان این رشته از کشورهای مختلف منجمله پاکستان و کشورهای شوروی سابق داشته است. تحلیل این مطلب و درک انگیزه تهران در پیگیری فعالیت‌های اتمی به نبوغ سیاسی نیازی ندارد. سقوط حکومت طالبان و صدام حسین در افغانستان و عراق و در محاصره قرار گرفتن ایران توسط نیروهای آمریکایی از یک سو و نداشتن پایگاه مردمی از سوی دیگر، رژیم را سخت به وحشت انداخته است. ملایان به نیکی دریافته اند که در دست داشتن اسلحه اتمی، اثری خنثی کننده در مقابل تهدیدات خارجی را داراست و فزون بر آن پرستیژ بین المللی را برای آنها به دنبال خواهد داشت. از همه اینها گذشته، حکومت ایران در صورت دستیابی به سلاح اتمی، سرکوبی آزادی خواهان و اختناق عمومی را گسترش خواهد داد و به پایه های حکومت لرزان خود استحکام خواهد بخشید. بنابر این به گمان نگارنده رژیم تهران علیرغم همه مخالفت‌های جهانی، به تحقیقات خود در راه حصول سلاح اتمی ادامه خواهد داد. حتی حمله نظامی به مراکز موجود این فعالیتها را متوقف نخواهد ساخت!

قطع نظر از وضعیت موجود و بیرون از ماهیت و عملکردهای رژیم امروز ایران -به گمان نگارنده- هیچ کشوری در خاورمیانه محق تر از ایران به داشتن سلاح اتمی نیست. در ۱۴ قرن گذشته، هیچ کشوری به اندازه ایران مورد تاخت و تاز و قتل و غارت و تخریب قرار نگرفته است. از حمله اسکندر مقدونی و اعراب و ترکان آسیای مرکزی و مغولان و تیموریان و عثمانیان تا حمله صدام حسین، در هر واقعه هزاران و گاهی میلیونها ایرانی طعمه شمشیر بیگانگان شده اند، و شهرهای آباد ایران به کرات به ویرانه ها و بیغوله ها مبدل گشته اند.

یک ایران آزاد و دموکراتیک، حق آن را دارد که نیروهای دفاعی خود را با هر سلاحی که امنیت مرزهای ایران زمین را تضمین می کند، مسلح نماید.